

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ارث تطبیقی

مقایسه مقررات ارث در حقوق مدنی و اقلیت‌های دینی ایران
(زرتشتی - کلیمی - مسیحی)

تألیف: دکتر عزیزاله فهیمی

عضو هیات علمی دانشگاه قم

سرشناسه	: فهیمی، عزیزالله، ۱۳۴۰-
عنوان قراردادی	: ایران، قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور	: ارث تطبیقی: مقایسه مقررات ارث در حقوق مدنی و اقلیت‌های دینی ایران (زرتشتی - کلیمی - مسیحی) / تألیف عزیزالله فهیمی.
مشخصات نشر	: تهران: خرسندی، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۲ ص.: نمونه.
شابک	: 978-600-114-211-6
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۳۰۷] - ۳۱۲: همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: ارث -- قوانین و مقررات -- ایران
موضوع	: اقلیتها -- وضع حقوقی و قوانین
موضوع	: ارث (فقه)
موضوع	: حقوق تطبیقی
رده‌بندی کنگره	: ۱۲۹۱ ف۹ / ۷۷۰۷۷۷ KMH
رده‌بندی دیویی	: ۳۱۶/۵۰۵۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۶۹۱۶۴۰

انتشارات خرسندی

نمایشگاه و فروشگاه کتب فقهی، حقوقی و مجموعه قوانین
تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - پانین تر از خیابان لبافی نژاد
کوچه مینا - بلاک ۲۰

تلفن: ۵ - ۶۶۹۷۱۰۳۴ و ۵ - ۶۶۴۹۰۵۸۴

پست الکترونیک: Khorsandy.pub@gmail.com

سایت اینترنتی: WWW.Khorsandypub.com

ارث تطبیقی

مقایسه مقررات ارث در حقوق مدنی و اقلیت‌های دینی ایران

(زرتشتی - کلیمی - مسیحی)

تألیف: دکتر عزیزالله فهیمی (عضو هیأت علمی دانشگاه قم)

چاپ اول - ۱۳۹۱

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۹۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۴-۲۱۱-۶ ISBN: 978-600-114-211-6

مقدمه

تعدد آئین‌های غیر اسلامی در کشور ما که تحت حمایت قانون اساسی و قانون مدنی نظام اسلامی ایران هستند، وظیفه محاکم قضایی را برای احقاق حق این دسته از هم وطنان ما سنگین‌تر می‌نماید، از طرفی مقررات احوال شخصیه این گروه با مقررات اسلامی فرق دارد و از سویی فرزندان این آب و خاک تلقی و تسلط قضات بر قوانین ویژه آنان را از باب داخلی بودن قانون حاکم بر آنان می‌طلبد؛ از این رو امروزه مباحث حقوق تطبیقی زمینه وسیعی برای طرح و پژوهش داشته و خوانندگان زیادی در بین حقوقدانان دارد.

براین اساس کتاب حاضر که حاصل مطالعات و پی‌گیری‌های پژوهشی مؤلف است، قسمتی از آن در سال ۱۳۸۰ تحت عنوان «بررسی تطبیقی ارث اقلیت‌های دینی در حقوق اسلام و ایران» با مقدمه استاد مرحوم دکتر شهیدی چاپ و عرضه شد و به دنبال اتمام نسخ آن، با تغییرات تکمیلی زیاد و اضافه شدن فصلی جدید تحت عنوان «بانی حقوقی فقهی حقوق اقلیت‌ها» اینک با عنوان «مقایسه مقررات ارث در حقوق مدنی و اقلیت‌های دینی ایران (زرتشتی - کلیمی - مسیحی)» تقدیم جامعه حقوقی ایران شده است و ضمن ارائه راه کار برای حل و فصل دعاوی مربوط به ارث اقلیت‌های دینی ایران، نقاط قوت و تکامل و همه جانبه‌نگری مقررات ارث اسلامی را می‌نمایاند.

لازم می‌دانم از زحمات ناشر محترم در عرضه به‌موقع این کتاب تشکر و از خوانندگان محترم این اثر ناچیز تقاضا نمایم که مؤلف را از نظرات ارشادی و تکمیلی خود محروم نگردانند.

عزیزاله فهیمی

پاییز ۱۳۹۰

تقریظ مرحوم استاد دکتر مهدی شهیدی^۱

یکی از مسائل نسبتاً پیچیده کشور ما، مسأله احوال شخصیة اقلیت‌های دینی است. جامعه ما با اعتقادات و آیین‌های اکثریت مسلمانان و اقلیت‌های دینی دیگر، بافت اعتقادی خاصی دارد که زمینه طرح مسایل گسترده حقوقی و قضایی را فراهم کرده است.

از آنجا که جامعه ما با الهام از تعالیم اسلامی سعی در حفظ آزادی و حقوق همه افراد تابع کشور را، سرلوحه روابط اجتماعی خود می‌داند و به انسان به لحاظ انسانیت و موجود آفریده شده خداوند نگرسته و می‌نگرد، همواره حقوق همه افراد و اقلیت‌های دینی با دقت بسیار مورد تحلیل قرار گرفته و به آن، در مراجع ذیصلاح کشور عمل شده است. در عین حال، هنوز مسایل بسیاری در این زمینه وجود دارد که دقت نظر بیشتری را از جهت فقهی و حقوقی می‌طلبد.

کتابی که پیش روی خوانندگان محترم قرار دارد یکی از منابع تحقیقی و تحلیلی حقوق اقلیت‌های دینی است که مباحث آن به بررسی تطبیقی ارث اقلیت‌های دینی در حقوق اسلام، و ایران، اختصاص یافته است.

این جانب، به سهم خود از تلاش‌ها و کوشش‌های نویسنده محترم، جناب آقای عزیزالله فهیمی، در راه دستیابی به مأخذ مستند موضوع و نیز تفکیک مباحث مربوط و اعمال دقت و حوصله در انجام تحلیل‌های لازم با تکیه بر منابع فقه امامیه و قانون مدنی و تألیفات حقوقی، سپاسگزارم و برای ایشان موفقیت‌های روز افزون در ادامه تحقیقات علمی و حقوقی آرزو می‌کنم که حقاً شایسته آن هستند.

مهدی شهیدی

۱. این مقدمه در سال ۱۳۸۰ هنگام چاپ قسمتی از این کتاب درج گردیده بود.

۱۷	پیشگفتار.....
۱۷	۱. انگیزه انجام این پژوهش.....
۱۹	۲. فواید این بررسی تطبیقی.....
۲۰	۳. موقعیت ارث اقلیت‌های دینی در ایران.....
۲۰	۳-۱. پیشینه مسأله در قوانین ایران.....
۲۲	۳-۲. موقعیت فعلی قوانین ارث اقلیت‌ها در ایران.....
۲۳	۳-۳. چند نظر مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری.....
۲۴	۴. اشاره‌ای به تاریخچه ارث در اقوام مختلف.....
۲۵	۴-۱. رم.....
۲۶	۴-۲. بابل.....
۲۷	۴-۳. ایران باستان.....
۲۸	۴-۴. چین و ژاپن.....
۲۸	۴-۵. هند.....
۲۸	۴-۶. اعراب جاهلیت.....
۳۰	۵. ویژگی‌های قانون ارث اسلام.....

فصل اول - تعاریف و کلیات

۳۵	مبحث اول: آشنایی با چند اصطلاح.....
۳۵	گفتار اول: تعریف ارث.....
۳۵	۱. ارث در لغت و اصطلاح.....
۳۵	۱-۱. ارث به معنی مال و حقوق بازمانده از مورت.....
۳۷	۱-۲. مقایسه واژه ارث با ترکه.....
۳۸	۱-۳. فرق ارث با وصیت.....
۴۰	۲. ارث در اسلام.....
۴۲	گفتار دوم: تعریف کفر و کافر.....

۱. معنی لغوی و اصطلاحی کفر و کافر..... ۴۲
۲. اقسام کافر..... ۴۴
- ۱-۲. از جهت استقلال و تبعیت در کفر..... ۴۴
- ۲-۲. از جهت سابقه دینی..... ۴۴
- ۲-۳. از جهت ارتداد..... ۴۴
۳. دسته‌بندی کفار و ملحقین به آنان..... ۴۵
- ۳-۱. دسته‌بندی کفار..... ۴۵
۴. اهل کتاب در مقایسه با سایر کفار..... ۴۶
- ۴-۱. مشترکات مهم اهل کتاب با مسلمین..... ۴۶
- ۴-۲. حقوق ویژه اهل کتاب در قانون اساسی..... ۴۶
- ۴-۳. طهارت یا نجاست اهل کتاب؟..... ۴۷
- ۴-۳-۱. ادله قائلین به نجاست اهل کتاب..... ۴۷
- ۴-۳-۲. ادله قائلین به طهارت اهل کتاب..... ۴۸
- ۴-۳-۳. خدشه در اجماع ادعایی..... ۴۹
- نتیجه بحث..... ۴۹
- گفتار سوم: تعریف اقلیت و اهل کتاب..... ۵۱
۱. آشنایی با اصطلاح «اقلیت»..... ۵۱
- ۱-۱. تعریف اقلیت..... ۵۱
- ۱-۲. قانون اساسی و اقلیت‌ها..... ۵۳
- ۱-۲-۱. قانون اساسی و اقلیت‌های غیر دینی و غیر مذهبی..... ۵۳
- ۱-۲-۲. قانون اساسی و اقلیت‌های مذهبی..... ۵۴
- ۱-۲-۴. اهل کتاب بودن مجوس..... ۵۷
- ۱-۲-۵. صابین..... ۶۰
۲. آشنایی با اصطلاح «اهل کتاب»..... ۶۲
- ۲-۱. تعریف «اهل کتاب»..... ۶۲
- ۲-۲. اهل کتاب در قانون اساسی..... ۶۲
- ۲-۳. ادله انحصار اهل کتاب..... ۶۳
- ۲-۳-۱. آیات..... ۶۳

۶۴	۲-۳-۲. روایات
۶۴	۲-۲-۳. اقوال فقها
۶۶	مبحث دوم: بررسی صلاحیت قضایی و قانونی در
۶۶	دعاوی اقلیت‌های دینی ایران
۶۶	گفتار اول: بررسی صلاحیت قضایی
۶۶	۱. تعریف صلاحیت قضایی
۶۷	۲. پیشینه مسأله در متون اسلامی
۶۷	۲-۱. قرآن کریم
۶۸	۲-۲. روایات
۶۹	۳. نظر فقها درباره صلاحیت قضایی دعاوی اقلیت‌ها
۶۹	۳-۱. نظر فقهای شیعه
۶۹	۳-۲. نظر فقهای سنت و جماعت
۷۰	نتیجه بحث
۷۱	گفتار دوم: صلاحیت قانونی
۷۱	۱. تعریف صلاحیت قانونی
۷۱	۲. پیشینه مسأله در منابع اسلامی
۷۱	۲-۱. در قرآن کریم
۷۲	۲-۲. در روایات
۷۳	۲-۳. نزد فقها
۷۵	۲-۴. حکم عقل
۷۵	۲-۵. اجماع
۷۵	نتیجه بحث
۷۶	گفتار سوم: بررسی تفصیلی صلاحیت قضایی و قانونی محاکم در حالات مختلف
۷۶	۱. توضیح چند اصطلاح
۷۶	۱-۱. اهل ذمه
۷۶	۱-۲. جزیه
۷۷	۱-۳. مستأمن
۷۷	۲. وظیفه دادگاه در جایی که طرفین دعوا پیرو دین واحد نباشند

۳. وظیفه دادگاه در جایی که طرفین دعوا اهل کتاب و تابع آیین واحدند..... ۷۹
- ۳-۱. تقسیم دعاوی..... ۸۰
- ۳-۱-۱. دعاوی غیر حقوقی..... ۸۰
- ۳-۱-۲. دعاوی، مربوط به جرایمی باشد که در اسلام و آیین متداعیین جرم است..... ۸۰
- ۳-۱-۳. دعاوی، مربوط به جرایمی باشد که فقط از دیدگاه اسلام جرم محسوب گردد..... ۸۲
- ۳-۱-۴. دعاوی، مربوط به جرایمی باشد که فقط در دین متداعیین جرم محسوب می‌گردد..... ۸۴
- ۳-۲. دعاوی حقوقی..... ۸۴
- ۳-۲-۱. در غیر احوال شخصیه..... ۸۵
- ۳-۲-۲. در احوال شخصیه..... ۸۵

فصل دوم - بررسی تحلیلی مبانی حقوقی و فقهی حقوق اقلیت‌ها

و ماده واحده مصوب ۱۳۱۲/۴/۳۱

- مبحث اول: بررسی تحلیلی مبانی حقوقی و فقهی حقوق اقلیت‌ها در دیدگاه غرب و اسلام..... ۸۹
- گفتار اول: بررسی تحلیلی مبانی حقوق اقلیت‌ها در دیدگاه غرب..... ۸۹
۱. بیان اصول به کار رفته در اعلامیه جهانی حقوق بشر و بررسی آن..... ۸۹
- ۱-۱. شمارش اجمالی اصول..... ۸۹
- ۱-۲. بررسی تفصیلی اصول..... ۹۰
۲. رویکردهای سه گانه نسبت به دیدگاه غربی در مورد حقوق اقلیت‌ها..... ۹۶
- ۲-۱. رویکرد انکاری..... ۹۶
- ۲-۲. رویکرد اعتداری..... ۹۸
- ۲-۳. رویکرد تجدید نظر طلبان (نواندیشان) مسلمان نسبت به دیدگاه غربی..... ۹۸
- ۲-۴. نقد و بررسی دیدگاه‌های سه گانه..... ۱۰۱
۳. نقد مبانی حقوق اقلیت‌ها در اعلامیه جهانی حقوق بشر..... ۱۰۳
- ۳-۱. فقدان نظم و ترتیب منطقی..... ۱۰۳
- ۳-۲. بی‌اعتنایی به دین..... ۱۰۳
- ۳-۳. برهان ناپذیری..... ۱۰۴
- ۳-۴. فقدان شالوده فطری..... ۱۰۴
- ۳-۵. غفلت از توازن حق و تکلیف..... ۱۰۵

۱۰۵.....	۳-۶. عدم انسجام.....
۱۰۶.....	۳-۷. عدم شفافیت.....
۱۰۶.....	۳-۸. عدم سازگاری با نسبیّت فرهنگی.....
۱۰۸.....	گفتار دوم: مبانی فقهی حقوق اقلیت‌ها و موارد محدودیت آن در جامعه اسلامی.....
۱۰۸.....	۱. مبانی فقهی حقوق اقلیت‌ها در جامعه اسلامی.....
۱۰۸.....	۱-۱. شمارش اجمالی مبانی فقهی حقوق اقلیت‌ها.....
۱۰۹.....	۱-۲. شرح تفصیلی مبانی.....
۱۱۹.....	۲. محدودیت حقوق اقلیت‌ها در جامعه اسلامی.....
۱۲۰.....	۲-۱. آنها که اصل حاکمیت و استقلال مسلمان به مخاطره افتد.....
۱۲۱.....	۲-۲. تعهدات منافی با اصل سیادت اتباع اسلامی.....
۱۲۱.....	۲-۳. منع تعهدات مخالف با احکام اسلام.....
۱۲۲.....	۲-۵. منع انعقاد تعهداتی که ناقض تمامیت اراضی کشور اسلامی باشد.....
۱۲۲.....	۲-۶. اعتقاد به تساوی کامل حقوق زن و مرد.....
۱۲۳.....	گفتار سوم: مبانی حقوقی و فقهی ماده واحد مصوب ۱۳۱۲/۴/۳۱.....
۱۲۳.....	بند اول: بررسی مبانی حقوقی ماده واحد.....
۱۲۳.....	۱. عبارات ماده واحد.....
۱۲۳.....	۱-۱. احوال شخصیه.....
۱۲۳.....	۱-۱-۱. قانون اساسی.....
۱۲۴.....	۱-۱-۲. قانون مدنی.....
۱۲۴.....	۱-۱-۳. ماده واحد.....
۱۲۵.....	۱-۱-۴. مصادیق احوال شخصیه.....
۱۲۷.....	۱-۲. ایرانیان غیر شیعه.....
۱۲۷.....	۱-۲-۱. ایرانیان مسلمان غیر شیعه.....
۱۲۸.....	۱-۲-۲. ایرانیان غیر مسلمان.....
۱۲۹.....	۱-۲-۳. رسمیت آیین.....
۱۳۰.....	۱-۲-۴. وجود قواعد و عادات مسلمّه متداوله.....
۱۳۱.....	۱-۲-۵. عدم مخالفت مقرّرات با نظم عمومی.....
۱۳۳.....	نتیجه بحث.....

۲. بررسی بندهای ماده واحده..... ۱۳۴
- ۲-۱. بند اول ماده واحده (مسائل مربوط به نکاح و طلاق اقلیت‌ها)..... ۱۳۴
- ۲-۲. شوهر مسلمان باشد و زن غیر مسلمان..... ۱۳۴
- ۲-۳. زن مسلمان باشد و شوهر غیر مسلمان..... ۱۳۵
- ۲-۴. شوهر مسلمان شیعه باشد و زن مسلمان سنی یا زیدی..... ۱۳۸
- ۲-۵. زن مسلمان شیعه باشد و مرد مسلمان سنی یا زیدی..... ۱۳۸
- ۲-۶. زن و شوهر غیر مسلمان ولی هر یک پیرو آیین جداگانه باشند..... ۱۳۸
- ۲-۷. زن و شوهر غیر مسلمان ولی پیرو مذاهب جداگانه باشند..... ۱۳۹
۳. بند دوم ماده واحده (مسائل مربوط به ارث و وصیت اقلیت‌ها)..... ۱۴۱
- ۳-۱. مورث غیر مسلمان و وارث مسلمان..... ۱۴۲
- ۳-۲. مورث مسلمان و شیعه و وارث مسلمان و غیر شیعه..... ۱۴۳
- ۳-۳. مورث مسلمان و سنی مذهب یا زیدی و وارث مسلمان شیعه مذهب..... ۱۴۳
- ۳-۴. مورث و وارث هر دو غیر مسلمان ولی هر یک پیرو آیین جداگانه..... ۱۴۴
- ۳-۵. مورث و وارث هر دو غیر مسلمان و پیرو یک دین ولی دو مذهب مختلف..... ۱۴۴
- ۳-۶. مورث و وارث هر دو مسلمان غیر شیعه ولی تابع دو مذهب جداگانه..... ۱۴۴
- بند دوم: بررسی مبانی فقهی ماده واحده..... ۱۴۴
۱. ادله فقهی جواز رجوع اقلیت‌ها به آیین خودشان..... ۱۴۶
- ۱-۱. ارث..... ۱۴۶
- ۱-۱-۱. روایات..... ۱۴۶
- ۱-۱-۲. اقوال فقها..... ۱۴۷
- ۱-۲. وصیت..... ۱۴۹
- ۱-۲-۱. روایات..... ۱۴۹
- ۱-۲-۲. اقوال فقها..... ۱۵۰
- ۱-۳. طلاق..... ۱۵۱
- ۱-۳-۱. روایات..... ۱۵۱
- ۱-۳-۲. اقوال فقها..... ۱۵۱
- ۱-۴. در مسأله نکاح..... ۱۵۲
- ۱-۴-۱. روایات..... ۱۵۳

۱۵۴	۲-۴-۱. اقوال فقها
۱۵۶	نتیجه گفتار
۱۵۶	۲. قاعده الزام
۱۵۷	۲-۱. الفاظ قاعده
۱۵۷	۱-۱-۲. واژه «قاعده»
۱۵۷	۲-۱-۲. واژه «الزام»
۱۵۸	۳-۱-۲. معنای اصطلاحی قاعده الزام
۱۵۸	۲-۲. مدارک قاعده الزام
۱۵۹	۱-۲-۲. روایات خاصه
۱۶۲	۲-۲-۲. روایات عام
۱۶۴	۲-۳. کاربرد و حدود قاعده الزام
۱۶۴	۱-۳-۲. کاربرد قاعده
۱۶۶	۲-۳-۲. حدود قاعده

فصل سوم - تطبیق مقررات ارث در قانون مدنی و حقوق اقلیت‌های دینی ایران

۱۷۳	مبحث نخست: تطبیق کلیات و اصول
۱۷۴	گفتار اول: در موجبات ارث و طبقات وراث
۱۷۴	اصل اول: در موجبات ارث
۱۷۵	اصل دوم: در طبقات وراث
۱۷۷	۱. در طبقات وراث
۱۷۷	۱-۱) طبقات وراث در آیین کلمی
۱۷۸	۱-۲) در تلمود
۱۷۹	۱-۱۳) در قواعد و مقررات اصلاحی ارث کلیمیان
۱۷۹	۲) در سهم الارث دختران
۱۷۹	۱-۲) محرومیت دختر از ارث
۱۸۰	۲-۲) نصف بودن سهم الارث دختر نسبت به پسر در اسلام
۱۸۰	۳) در سهم الارث زوجه
۱۸۰	۱-۳) نزد کلیمیان ایران

- ۳-۲ در تلمود..... ۱۸۱
- ۳-۳ در مقررات اصلاحی ارث کلیمیان جهان..... ۱۸۱
- ۳-۴ تطبیق مقررات مختلف کلیمیان..... ۱۸۱
- اصل سوم: تقدّم و تأخّر طبقات وراثت..... ۱۸۲
- اصل چهارم: جمع موجبات متعدّد ارث در وارث واحد..... ۱۸۳
- اصل پنجم: تکلیف ترکه بی وارث..... ۱۸۶
- مبحث دوم: در تحقق ارث..... ۱۸۹
- اصل ششم: موت حقیقی یا فرضی..... ۱۸۹
- اصل هفتم: شرط استقرار مالکیت ورثه بر ترکه متوفی..... ۱۹۰
- اصل هشتم: حقوق و بون متعلق به ترکه متوفی..... ۱۹۱
- اصل نهم: ترتیب ادای حقوق و بون متوفی..... ۱۹۳
- اصل دهم: تکلیف معامله بر روی ترکه، قبل از پرداخت حقوق و دیون..... ۱۹۴
- اصل یازدهم: تکلیف اموال غایب مفقودالاثر..... ۱۹۵
- اصل دوازدهم: در فوت وارث و مورث و معلوم نبودن تقدّم و تأخّر فوت آنها..... ۱۹۶
- اصل سیزدهم: در فوت وارث و ارث مؤرث و معلوم بودن تاریخ فوت یکی از آنها..... ۱۹۸
- گفتار سوم: در شرایط و موانع ارث..... ۱۹۹
- ❖ بند اول: در شرایط ارث..... ۱۹۹
- شرط یکم: وجود ارث..... ۱۹۹
- اصل چهاردهم: ارث حمل..... ۱۹۹
- اصل پانزدهم: تکلیف وراثت نوزاد مشکوک الحیوة..... ۱۹۹
- اصل شانزدهم: لحاظ سهم الارث حمل، موقع تقسیم ترکه..... ۲۰۰
- شرط دوم: وجود ترکه..... ۲۰۱
- اصل هفدهم: مالکیت ورثه بر ترکه..... ۲۰۱
- اصل هجدهم: ارث غائب مفقودالاثر..... ۲۰۲
- ❖ بند دوم: در موانع ارث..... ۲۰۳
- اصل نوزدهم: قتل مورث..... ۲۰۳
- اصل بیستم: کفر وراثت یا مورث..... ۲۰۴
- اصل بیست و یکم: ولادت از زنا..... ۲۰۵

- ۲۰۶..... اصل بیست و دوم: ارث طفل متولد از شبهه
- ۲۰۷..... اصل بیست و سوم: سهم ویژه بعضی ورثه از ترکه.....
- ۲۰۹..... مبحث دوم: قواعد مهم ارث اقلیت‌های دینی ایران
- ۲۰۹..... گفتار اول: قواعد مهم و مشترک ارث در بین اقلیت‌های دینی ایران
- ۲۰۹..... قاعده اول: انحصار منشأ ارث در نسب و سبب
- ۲۱۰..... قاعده دوم: اصل وراثت نزدیک‌تر (الاقرب فالاقرب)
- ۲۱۱..... قاعده سوم: حیوانگی تقسیم ترکه (تقسیم به فرض وردّ به قرابت)
- ۲۱۳..... قاعده چهارم: دیون و واجبات در ترکه متوفی
- ۲۱۳..... قاعده پنجم: تکلیف ترکه بلاوارث
- ۲۱۳..... قاعده ششم: سهم ویژه بعضی ورثه از ترکه
- ۲۱۴..... قاعده هفتم: وجود مراتب ارث در مقررات هر یک از اقلیت‌ها
- ۲۱۵..... قاعده هشتم: تعیین تکلیف سهم الارث حاصل در مقررات اقلیت‌ها
- ۲۱۵..... قاعده نهم: رعایت سهم الارث غایب مقفودالاتر
- ۲۱۶..... قاعده دهم: مقایسه سهم الارث اناث نسبت به ذکور
- ۲۱۶..... قاعده یازدهم: برخورد‌های استحصانی و ترحمی در تقسیم ارث اقلیت‌ها
- ۲۱۷..... گفتار دوم: قواعد مهم و مختص ارث در بعضی از اقلیت‌های دینی ایران
- ۲۱۷..... قاعده یکم: نادیده گرفتن حقوق ارثیه اناث نسبت به ذکور در آیین کلمی
- ۲۱۸..... قاعده دوم: برتری خویشاوندان منسوب به پدر متوفی در آیین کلمی
- ۲۱۸..... قاعده سوم: تغییر سهم الارث وراثت به تبع تغییر مونث و مذکر بودن متوفی در آیین زرتشتی
- ۲۱۹..... قاعده چهارم: برابری سهم ذکور و اناث در آیین مسیحی
- ۲۲۰..... قاعده پنجم: تأثیرپذیری مقررات احوال شخصیه زرتشتیان و مسیحیان از مقتضیات زمان و مکان
- ۲۲۱..... مبحث سوم: تطبیق فروع
- ۲۲۱..... (مقایسه سهم الارث وراثت در قانون مدنی و حقوق اقلیت‌ها)
- ۲۲۱..... گفتار اول: سهم الارث طبقات وراثت
- ۲۲۱..... ❖ بند اول: سهم الارث طبقه اول
- ۲۲۱..... فرع اول: جایی که ورثه عبارتند از پدر و مادر متوفی
- ۲۲۲..... فرع دوم: جایی که ورثه عبارتند از یک پسر و یک دختر
- ۲۲۳..... فرع سوم: جایی که ورثه عبارتند از یک پسر و یک دختر و پدر و مادر متوفی

- فرع چهارم: جایی که ورثه عبارتند از دختر و پسر و همسر..... ۲۲۴
- فرع پنجم: جایی که ورثه عبارتند از والدین و همسر و پسر و دختر..... ۲۲۶
- فرع ششم: جایی که وارث، فقط یک دختر است..... ۲۲۸
- فرع هفتم: جایی که ورثه فقط نوادگان باشند..... ۲۲۹
- فرع هشتم: ارث فرزند خوانده..... ۲۳۰
- ❖ بند دوم: در سهم الارث طبقه دوم..... ۲۳۲
- فرع نهم: جایی که ورثه، فقط عبارت از خواهر و برادرند..... ۲۳۲
- فرع دهم: جایی که ورثه عبارتند از اخوة ابوینی و اخوة ابی..... ۲۳۳
- فرع یازدهم: جایی که ورثه عبارت از جد و جدّه می‌باشند..... ۲۳۴
- فرع دوازدهم: جایی که ورثه عبارتند از اخوة ابوینی و اخوة اُمی..... ۲۳۵
- ❖ بند سوم: در سهم الارث طبقه سوم..... ۲۳۶
- فرع سیزدهم: جایی که ورثه عبارتند از عمو و دایی..... ۲۳۶
- فرع چهاردهم: جایی که ورثه عبارتند از جد و جدّه و برادر و خواهر..... ۲۳۶
- فرع پانزدهم: جایی که ورثه عبارتند از اعمام ابوینی و اعمام ابی..... ۲۳۷
- فرع شانزدهم: جایی که ورثه عبارتند از دو عمو و دو عمه ابی..... ۲۳۸
- فرع هفدهم: جایی که ورثه عبارتند از چند خاله و چند دایی..... ۲۳۸
- گفتار دوم: در میراث زوج و زوجه..... ۲۳۹
- فرع هجدهم: ترسیم سهم الارث زوج و زوجه در حالات مختلف..... ۲۳۹
- فرع نوزدهم: جایی که وارث منحصرأ عبارت است از زوج یا زوجه..... ۲۴۲
- فرع بیستم: محدوده ارث زوج از ماترک زوج..... ۲۴۳
- فرع بیست و یکم: ارث زوجه ای که در حال مرض زوج طلاق داده شود..... ۲۴۴
- فرع بیست و دوم: ارث زنی که زوج در حال مرض، او را عقد نموده و قبل از دخول در همان مرض بمیرد..... ۲۴۵
- مبحث چهارم: تعارض قوانین..... ۲۴۶
- گفتار اول: نکات مربوط به ماهیت مقررات احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه..... ۲۴۷
- الف) استناد به قانون خارجی در محاکم ایران..... ۲۴۷
- ب) دیدگاه مختلف در استناد به قانون خارجی..... ۲۴۸
- ج) اثبات قانون خارجی..... ۲۴۹
- د) تفسیر قانون خارجی..... ۲۴۹

- ۲۴۹..... روتة دادگاه های ایران در مورد دعاوی ایرانیان غیر شیعه.....
- ۲۵۰..... الزامی بودن استناد اصحاب دعوا به قانون خارجی.....
- ۲۵۱..... گفتار دوم: تعارض قانون مدنی و مقررات احوال شخصیه ایرانیان غیر مسلمان.....
- ۲۵۱..... الف) مشکل توصیف ها.....
- ۲۵۱..... ب) مشکل احاله.....
- ۲۵۲..... ج) دعاوی اقلیت های دینی غیر ایرانی در محاکم ایران.....
- ۲۵۳..... د) دعاوی اقلیت های دینی ایران در محاکم غیر ایرانی.....
- ۲۵۴..... ه) تأسیس مضاعف.....
- ۲۵۵..... و) بررسی موارد دیگر تعارض برانگیز در احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه.....
- ۲۵۸..... گفتار سوم: تعارض قانون مدنی با مقررات احوال شخصیه ایرانیان مسلمان غیر شیعه.....
- ۲۵۸..... الف) فرض تعارض بین مقررات مربوط به نکاح و طلاق.....
- ۲۵۹..... ب) فرض تعارض در مقررات ارث و وصیت.....
- ۲۶۰..... خاتمه.....
- ۲۶۱..... ۱. در بحث از اصول قانون اساسی.....
- ۲۶۱..... ۲. در بحث از ماده واحده مصوب ۱۳۱۲.....
- ۲۶۵..... ۳. در شیوه طرح دعاوی ایرانیان غیر شیعه در محاکم ایران.....

ضمائم

- ۲۶۹..... الف) متن نامه به مراجع اقلیت های دینی ایران و پاسخ آنان.....
- ۲۷۰..... ب) استفتا از مراجع اقلیت های دینی ایران و پاسخ آنان.....
- ۲۸۶..... ج) استفتانات مجدد از مرجع دینی اقلیت زرتشتی و پاسخ آن.....
- ۲۸۹..... د) مقررات اصلاحی ارث کلیمیان جهان.....
- ۲۹۴..... ه) متن نامه های مراجع اقلیت های دینی ایران.....
- ۲۹۸..... و) متن استفتانات و پاسخ های آن را از مراجع معظم تقلید.....
- ۳۰۵..... ز) متن دو نامه از فعالیت های اخیر مراجع قضایی ایران.....
- ۳۰۷..... منابع و مأخذ.....
- ۳۰۷..... الف) منابع فارسی.....
- ۳۱۰..... ب) منابع عربی.....

۱. انگیزه انجام این پژوهش

در پهنه جهان نمی‌توان کشوری یافت که همه اتباع و ساکنانش از یک نژاد و قومیت بوده، به زبان واحد سخن گویند، پرو آیین و مذهب مشترکی باشند، در بیشتر کشورها اکثریتی وجود دارد که دارای نژاد و زبان و دین همسانند و گروه‌های کوچک‌تری نیز هستند که قومیت یا زبان یا شریعت و آیین دیگری دارند؛ این گروه‌ها «اقلیت» نامیده می‌شوند.^۱ این وضعیت افزون بر سرزمین‌های پهناوری چون روسیه و هند، در کشورهای کمتر گسترده مانند آلمان و فرانسه و حتی کشورهای کم وسعتی چون قطر و بحرین مشاهده می‌شود. در ایران نیز این تنوع جمعیتی وجود دارد.

شناسایی و پیش‌بینی ضمانت اجرای قوی برای حفظ حقوق اقلیت‌ها، یکی از مسایل اساسی نهادهای حقوقی بشری است. در سال ۱۹۹۲ سازمان ملل متحد اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی^۲ را تصویب کرد. این اعلامیه، مسئولیت دولت‌ها را جهت حمایت و ترویج حقوق اقلیت‌ها تشریح می‌کند. در سال ۱۹۹۵ کمیسیون فرعی پیشگیری از تبعیض و حمایت اقلیت‌ها اقدام به ایجاد یک گروه کار برای اقلیت‌ها کرد.^۳ توجه به مسأله اقلیت‌ها در اسناد بین‌المللی پیشینه‌ای چندان دراز ندارد و به سال‌های پس از جنگ جهانی اول و جامعه ملل باز می‌گردد، اما این موضوع در جامعه اسلامی سابقه‌ای بس طولانی دارد. مسلمانان با الهام از تعالیم و احکام نورانی شریعت اسلام به گونه‌ای رفتار

I. Minority

۲. برای مطالعه تعریف و مشخصه‌های حقوقی اقلیت، رک: ص ۴۹ به بعد.

۳. رک: حقوق بشر در جهان امروز اولیوی برای سازمان ملل. ص ۳۴-۳۵.

کرده‌اند که اصولاً اقلیت‌های نژادی و زبانی و قومی با سایر مسلمانان احساس بیگانگی نمی‌کرده‌اند و روابط اقلیت‌های دینی و مذهبی شناخته شده با سایر شهروندان جامعه اسلامی بر اساس مقررات مترقیانه اسلامی سامان یافته است.

کتاب حاضر تنها به یک بُعد از ابعاد این روابط پرداخته است، آن هم در پاره‌ای از جهان اسلام یعنی ایران، خواننده کتاب در خواهد یافت رعایت حقوق اقلیت‌های دینی در احکام مربوط به ارث از چه سطح و جایگاهی برخوردار بوده و هست. امروزه هیاهو و غوغا علیه اسلام چندان است که حتی شماری از مسلمانان می‌پندارند احکام دینشان نمی‌تواند حقوق بشر را تأمین کند. در دو دهه اخیر ایران اسلامی نیز آماج این حملات بوده است. این نوشتار نشان خواهد داد در کشور ما به پیروی از احکام مقدس اسلام رعایت حقوق اقلیت‌ها، و به طور مشخص در زمینه احکام ارث که موضوع این تحقیق است، سابقه‌ای روشن و قابل دفاع دارد.^۱ افزون بر آنچه گذشت، نویسنده در تدوین و ارایه این نوشتار، دو انگیزه دیگر نیز داشته است که ذیلاً بدان اشاره می‌شود:

قوانین و مقرراتی که دستگاه‌های صلاحیت‌دار هر کشور وضع می‌کنند، اصولاً درون مرزهای سیاسی همان کشور اجرا می‌شود و بر تمام اشخاص و اموال موجود در آن محدوده، حکومت می‌کند. این قاعده را «اصل محلی یا درون مرزی بودن قانون» می‌نامند.^۲

نادیده انگاشتن این اصل، به معنای پذیرفتن دخالت حاکمیت کشوری در سرزمین‌های دیگر است که با استقلال کشورها ناهماهنگ است. با وجود این، اصل سرزمینی بودن قوانین با دو استثنای مهم روبرو است. یکی فرامرزی بودن قوانین مربوط به احوال شخصی است که خود به صورت اصلی شناخته شده در حقوق بین‌الملل خصوصی در آمده است. این امر نخست در فرانسه پذیرفته شد، سپس در قسمت اعظم اروپا و قسمتی از آمریکای لاتین تأیید شد و مواد ۶ و ۷ قانون مدنی ایران نیز آن را پذیرفته است.^۳ استثنای دوم آن است که برای حفظ حقوق اقلیت‌ها، گاه از

۱. برای آن که به نحوه شناسایی و رعایت سایر حقوق اقلیت‌ها در جمهوری اسلامی ایران آشنا شوید، ر.ک: مهرپور،

حقوق بشر و راهکارهای اجرای آن، چاپ اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۷۵-۱۷۹.

۲. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، چاپ دوازدهم، ص ۲۲۸.

۳. ر.ک: الماسی، تجادعلی، تعارض قوانین، چاپ دوم، ص ۱۵۵.

اجرای قوانین ملی نسبت به آنان خودداری می‌شود و مقررات مذهبی آنان جایگزین قانون ملی می‌شود. قوانین ایران، این مسأله را نیز پذیرفته است و هموطنان غیر مسلمان و نیز غیر شیعه را در پاره‌ای از موارد مشمول مقررات دینی و مذهبی خود کرده است. نخست ماده واحده مصوب ۱۳۱۲/۴/۳۱ چنین مسأله‌ای را بیان و تضمین کرد، سپس اصول قانون اساسی، آرای وحدت رویه و مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام آن را تأیید نمود. این مقررات که ضمانت اجرای رسمی و قدرتمندی برای رعایت حقوق اقلیت‌های مذهبی است در این کتاب به صورت تطبیعی بررسی و تحلیل شده و مباحث فقهی آن مشخص گردیده است.

نکته دیگر آن است که برابر همان ماده واحده محاکم باید قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد اجرا کنند. این تکلیف قانونی، اقتضا می‌کند قضات و وکلا با قواعد مسلمة متداوله در مذاهب به رسمیت شناخته شده آشنایی کامل داشته باشند. با وجود این، مقررات مربوط به احوال شخصیه، از جمله قواعد مربوط به ارث که بسی پیچیده و دقیق است، مطابق با قواعد ادیان و مذاهب به رسمیت شناخته شده در ایران، به صورت مجموعه‌ای منظم در دسترس قضات و وکلا نیست. امید است این اثر بتواند این کاستی را برطرف سازد و از لحاظ نظری، اهتمام شرع اسلام و حقوق ایران در شناسایی و پاس داشتن حقوق اقلیت‌ها را نشان دهد و از جنبه عملی، ابزاری کارآمد برای آشنایی با احکام و مقررات دینی اقلیت‌ها در حوزه مسایل ارث باشد.

۲. فواید این بررسی تطبیقی

الف) آشنایی با مقررات ارث اقلیت‌های دینی ایران به منظور:

۱. یافتن قواعد مشترک بین این ادیان با دین مبین اسلام و توجه به جنبه‌های فطرت ارث؛
۲. درک بهتر مقررات ارث در اسلام و آگاهی از سیر پیشرفت و تکامل این مقررات در مکتب تعالی بخش اسلام.

ب) گردآوری مجموعه‌ای قابل استناد در دادگاه‌های کشور در مورد مقررات ارث اقلیت‌های دینی ایران.

ج) آشنایی و نقد مبانی حقوقی و فقهی ماده واحده «اجازه رعایت مقررات مربوط به احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه» مصوب ۱۳۱۲/۴/۳۱ مجلس شورای ملی که از اهمیت فراوانی برخوردار است؛

د) آشنایی حقوق دانان با سیر تحول این بخش از حقوق ایران و ملاحظه بعضی آرا و عملکرد محاکم در برخورد با دعای مطروحه در مورد احوال شخصیه اقلیت‌های دینی ایران؛
ه) پیشنهاد در خصوص اصلاح و تدوین مقرراتی که مربوط به حقوق این گروه از ایرانیان می‌گردد.

۳. موقعیت ارث اقلیت‌های دینی در ایران

این بحث را در سه محور اولی می‌کنیم؛

- پیشینه مسأله در قوانین ایران

- موقعیت فعلی قوانین ارث اقلیت‌های دینی در ایران

- ذکر چند نظر مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری

۳-۱. پیشینه مسأله در قوانین ایران

پیش از انقلاب مشروطیت و حتی قبل از تصویب قانون مدنی ایران، امور قضایی کشور، بویژه آنچه امروزه در اصطلاح جزء حقوق خصوصی به شمار می‌رود (معاملات، نکاح، طلاق، ارث) هماهنگ با قواعد و احکام شرع مقدس اسلام و فقه جعفری صورت می‌گرفته و این قواعد در مورد کلیه ساکنان ایران ساری و جاری بوده؛ ولی این اصول کلی در دو مورد استثنائاً رعایت نمی‌شده:^۱

۱. در نقاطی که ساکنین آن بیشتر سنی مذهب بودند احکام و مقررات آنها لازم‌الانبات بود؛

۲. نسبت به اتباع غیر مسلمان ایران؛ در مورد این گروه از ایرانیان قاعده صحیح و روشنی وجود نداشت، در پاره‌ای امور مانند نکاح و طلاق، تابع مقررات و احکام خاص مذهبی خود بودند و

۱. دانای علمی، منیره، مرجعات طلاق در حقوق ایران و اقلیت‌های غیر مسلمان، چاپ اول: انتشارات اطلس، ۱۳۷۴.

در بعضی دیگر از امور چون معاملات و عقود، تابع قواعد و مقررات فقه اسلامی و مذهب اثنی عشری، مذهب حاکم، بودند و در برخی امور از جمله ارث و وصیت، تازمانی که اختلافی حادث نمی‌گشت، تابع مقررات و قواعد مذهبی خود بودند و لیکن به محض اختلاف، قضات شرع، با استعانت از آیین دادرسی و قواعد اسلامی اختلاف‌ها را رفع می‌کردند.

نتیجه این وضعیت سنگت‌انگیز بود؛ اقلیت‌های غیر مسلمان، اگر در ولایاتی چون کردستان زندگی می‌کردند که اکثر مردم آن سنی و مثلاً شافعی مذهب بودند، در مواقع اختلاف، قواعد و مقررات فقه شافعی بر آنان حاکم بود و اگر در محلی زندگی می‌کردند که اکثر مردم آن حنفی مذهب بودند، قواعد و مقررات فقه حنفی بر آنان حاکم بود؛ همچنین فرقی نمی‌کرد که متداعیین مسلمان باشند یا غیر مسلمان، و در نقاط مرکزی ایران فقه جعفری اجرا می‌شد و در مورد همه ساکنان ایران و اقلیت‌های دینی، ملاک اساسی و مسلمی در مورد همه اتباع ایران و اقلیت‌های دینی وجود نداشت و امور قضایی این مرز و بوم از روال واحدی برخوردار نبود.^۱ در قانون اساسی مشروطیت، مصوب ۱۲۹۰ به واسطه یافتن اقلیت‌های دینی ایران اشاره شد اما تکلیف امور قضایی آنان به روشنی مشخص نگردید.

در سال ۱۳۰۷ قانون مدنی ایران به تصویب رسید؛ ماده ۵ این قانون مقرر کرد که جز در موارد استثناء همه مردم ایران تابع قانون واحدند. اما تبیین این استثناء تا سال ۱۳۱۲ طول کشید یعنی تا هنگامی که مجلس شورای ملی با تصویب ماده واحده‌ای در تاریخ ۱۳۱۲/۴/۳۱، اجازه داد مقررات مربوط به احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه، بر آنان حاکم باشد. نظریه‌ای که این ماده در پژوهش حاضر دارد متن کامل و مبنای حقوقی و فقهی آن به تفصیل شرح خواهد شد.^۲ با تصویب این ماده واحده، مشکل صلاحیت قانونی اقلیت‌ها در مسایل احوال شخصیه برطرف گردید، ولی مشکل باقی مانده که حل آن مربوط به خود اقلیت‌ها است؛ بستر سازی برای اجرای آن در دادگاه‌ها می‌باشد. این موضوع در تشریح شرایط پنجگانه ماده واحده مشروحاً بررسی خواهد شد.

۱. همان، با تغییر جزئی.

۲. ر.ک: ص ۸۷ به بعد.

۲-۳. موقعیت فعلی قوانین ارث اقلیت‌ها در ایران

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، با الهام از توجهی که اسلام به کرامت انسانی و احترامی که به آیین‌های الهی دارد، اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حقوق ایرانیان غیر شیعه اعم از مسلمان و غیرمسلمان اختصاص یافت. در اصول دوازدهم و سیزدهم بر مراعات مقررات خاص در احوال شخصیه ایشان تأکید شد و در اصل چهاردهم بر لزوم توجه به حقوق غیرمسلمانان تصریح گردید. بدین ترتیب ماده واحده مصوب ۱۳۱۲ از پشتوانه بیشتری برخوردار شد. هم‌اکنون در دادگاه‌های کشور به مفاد این قوانین عمل می‌شود. به دنبال اختلافی که در بعضی محاکم در عمل به این قانون پیش آمده بود هیأت عمومی دیوان عالی کشور، در رأی ۲۳/۶۳/۳۷ خود به تاریخ ۱۹/۱/۱۳۶۳ در این باره چنین ابراز نظر نمود:

«نظریه به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و این که به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب مراداد ماه ۱۳۱۲، نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده، لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان در دادگاهها، جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد تصریح گردیده، فلذا دادگاه‌ها در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیت‌نامه، ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمة در مذهب آنان، جز در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده، و باید احکام خود را بر طبق آن صادر نمایند؛ این رأی برابر ماده ۴۳ قانون امور حسبی و ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کفوی مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.»^۱

گفتنی است این رأی وحدت رویه، عیناً در ماده واحده‌ای با عنوان «قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی» در تاریخ ۱۳۷۲/۴/۳ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است.^۲

۱. نقل از مجموعه قوانین حقوقی ۱۳۶۹. تدوین غلام رضا حاجی اشرفی. نشر گنج دانش، ص ۸۷۳.

۲. مهرپور، حسین، حقوق بشر و راهکارهای اجرای آن، ص ۱۸۸ به نقل از مجموعه قوانین سال ۱۳۷۲ چاپ روزنامه رسمی

در خصوص عمل به ماده واحده مصوب ۱۳۱۲ و نظر به اهمیت مطلب و مورد ابتلا بودن این مقررات، چند نظر مشورتی از اداره حقوقی وزارت دادگستری را ذکر می‌کنیم:

۳-۳. چند نظر مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری

۱. درباره این که آیا اسر ولایت و قیومت اقلیت‌های مذهبی جزء احوال شخصیه آنان محسوب است یا خیر؟ اداره حقوقی در تاریخ ۱۳۴۶/۶/۱۸ چنین جواب داده است:
ولایت قهری، ناشی از تخاص و نتیجه بلافصل آن است و جزء احوال شخصیه و مشمول مقررات ماده واحده ۱۳۱۲ خواهد بود، ولی قیومت، ناشی از حکم قانون است و ماده واحده مذکور شامل آن نمی‌گردد.^۱
۲. مردی کلیمی مرده و وارثانی از او باقی مانده‌اند، در ضمن، این میت بدهی هم دارد، طلبکار برای وصول طلب خود به چه کسی باید مراجعه نماید؟ اداره حقوقی در تاریخ ۱۳۴۹/۴/۱، با توجه به فتوای انجمن کلیمیان تهران چنین جواب داده است:
«بدیهی میت قبل از تقسیم ترکه از اصل ترکه و بعد از تقسیم ترکه از مال ورثه باید پرداخت گردد. اداره حقوقی سپس سهم الارث هر یک از ورثه این مرد کلیمی را یادآوری کرده است.^۲»
۳. مردی کاتولیک مذهب، تبعه خارجه، با زن ارتدکس ایرانی ازدواج کرده از آن جایی که این ازدواج طبق قانون ملی مرد صحیح نیست، نظر قانون ایران در مورد رسمیت این ازدواج چیست؟ اداره حقوقی در تاریخ ۱۳۵۰/۲/۲، چنین نظر داده است:
«در قوانین ایران معنی برای ازدواج مرد کاتولیک با زن ارتدکس وجود ندارد و مشمول ماده واحده ۱۳۱۲ می‌باشد و طبق قوانین ایران معتبر است.»^۳

۱. نقل از مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی دادگستری، انتشارات دفتر تحقیقات و مطالعات وزارت دادگستری، مجله

شماره ۵۵ هفته دادگستری با همکاری محمود سلجوقی و بدالله امینی. نظریه شماره ۸۲

۲. همان.

۳. همان.

ذکر این سه مورد از نظریات مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری، نشانگر نیاز به تصویب ماده واحده مذکور بوده و از طرفی دیگر اقلیت‌های دینی ایران را متوجه این مسؤولیت می‌سازد که چون مقررات احوال شخصیه در مورد پیروان آیین آنان، به خودشان واگذار شده است، باید با قانونمند کردن تعالیم دینی خود، از معضلات عدیده‌ای که برای دادگاه‌ها و کورپوران‌شان پیش می‌آید، بکاهند؛ وجود این آرا و مراجعات، مبین نیازی است که امثال این تحقیق می‌باید در حد توان بدان بپردازد.

از مصادیق مهم اسرار شخصیه، مسأله ارث می‌باشد که موضوع این پژوهش است.

۴. اشاره‌ای به تاریخچه ارث در اقوام مختلف

از کهن‌ترین ادوار، بشر به لحاظ عوامل اقتصادی و اجتماعی عصر خود، ارتباط تنگاتنگی به مقوله ثروت داشته، و در جهت بقای آن نیز به تناسب، قوانینی وضع کرده است. از جمله قوانینی که در محافظت از اموال نقش مهمی ایفا می‌کرده، مجموعه مقررات مربوط به ارث بوده است. توجه به این حقیقت که با مرگ آدمی، نقش اموال وی پایان نمی‌گیرد، متفکران را بر می‌انگیخت که برای اموال بر جای مانده از درگذشتگان، نظامی بنیان نهند.^۱

قربان به طور طبیعی موجب ایجاد علاقه و احساس روحی بین خویشاوندان است و بستگان نزدیک متوفی در زمان حیات او، یار و مددکارش هستند؛ پس در تصرف اموال وی و به دست آوردن مالکیت آن از هر شخص دیگری سزاورترند؛ در نتیجه برای ارث باید ریشه‌ای سنتی قایل شد که در نتیجه تحول و تکامل ریشه فطری، فراهم آمده است.^۲ اساس این تفکر تقریباً نزد همه ادیان و شرایع کهن یکسان است، هر چند که در شماره و نوع این وارثان، اختلاف وجود دارد. به لحاظ اهمیت موضوع ارث، همواره محاکمی برای فیصله دادن به اختلاف ناشی از دارایی بجا مانده از متوفی، تشکیل و افراد بزرگی عهده‌دار حل و فصل آن مشکل می‌شده‌اند، به طوری که نیمی از کتاب جبر و مقابله اثر «محمدبن موسی خوارزمی» که

۱. ر.ک: قنبری، محمدرضا، مبانی تاریخی ارث، نشر گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۷.

۲. دکتر شهیدی، مهدی، ارث، انتشارات سمت، چاپ اول ۱۳۷۴، ص ۳.

بزرگ‌ترین کتب ریاضی در تاریخ علم محسوب می‌شود، ذیل عنوان کتاب الوصایا، به حلّ مسایل ناشی از ارث به اسلوب ریاضی اختصاص یافته است.^۱ اینک نظری گذرا بر تاریخچه ارث اقوام مختلف خواهیم داشت.

۱-۴. رم

آن چنان که الواح دوازده گانه ژوستینین، امپراطور بزرگ رم، که از کهن‌ترین اسناد تاریخی حقوقی رم است بر می‌آید، دختران و زنان به طور کلی از ارث محروم بوده‌اند و میراث منحصراً به اولاد ذکور متعلق بوده است. در زمان دورتر، یعنی زمان «کاتو» هیچ کس نمی‌توانست دختر را اعم از این که فرزند منحصراً وی باشد یا نه، شوهر اختیار کرده یا نکرده، وارث خویشتن قرار دهد. براساس همین تفکر، قانون هر جا اجازه می‌داد که چون دختر از میراث پدر محروم است، حق دارد با وارث پدر ازدواج کند. مثلاً اگر متولی یک پسر و یک دختر داشت، مشروط بر این که از یک مادر متولد نشده باشند، می‌توانستند با هم ازدواج کنند.^۲

افلاطون در فصل یازدهم از کتاب روح القوالین تصریح می‌کند که:

«اگر پدری پسر نداشته، چند دختر دارد می‌تواند برای یکی از دختران شوهر برگزیند و آن داماد را به جای پسر وارث خود قرار دهد.»^۳

در آتن اگر تنها وارث، دختر بود مقام روحانی اعظم، مسؤول اداره اموال او می‌شد و حق تصرف در اموال دختر را داشت.^۴ در رم قدیم زنان نه تنها از ارث بلکه از سایر حقوق مدنی نیز محروم بودند و فاقد اهلیت محسوب می‌شدند و می‌بایست همیشه تحت قیمومت شوهر یا برادر یا پسر و یا یکی از خویشاوندان ذکور منتسب به شوهر باشند و شوهر در اعمال این قیود مقدم بود.^۵

۱. مبانی تاریخی ارث، ص ۷.

۲. دوکولانو، فوستل، تمدن قدیم، ترجمه نصرالله فلسفی، انتشارات ابن‌سینا، صص ۶۷-۶۶ و ص ۳۲۷.

۳. افلاطون، روح القوالین، نشر اقبال، ترجمه محمد رضا لطفی، چاپ بنگاه مطبوعاتی صفی، علیشاه، ۱۳۵۴، ص ۲۸۶.

۴. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۱۹۴-۴۲.

۵. متسکیو، روح القوالین، ترجمه علی اکبر مهدی، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۴۹، ص ۲۳۱ و تاریخ ویل دورانت،

ترجمه حمید عنایت، چاپ ششم، ج ۷، ص ۹۰.

۴-۲. بابل

در بابل بر مبنای قانون حمورایی^۱ پدر حق داشت وصیت کند که اموال غیر منقول را به پسر مورد علاقه و محبوب او بدهند. دختر در صورتی ارث دریافت می‌کرد که جهیزیه نگرفته باشد. زن متوفی نیز از دارایی شوهر چیزی به عنوان هدیه دریافت می‌کرد.

۱. مجموعه قوانین حمورابی یکی از قدیمی‌ترین، قوانینی است که به دست بشر تدوین شده و احتمال زیاد این حمورابی ششمین پادشاه بابل بوده است. حمورابی = عمورابی = عموی بزرگه تاریخ زندگی او در حدود ۱۹۵۵ (قبل از میلاد) بوده است. حکومت بابل اوایل میلاد به دست ایران ساقط و سنگ نوشته حمورابی، به شوش منتقل شد و در تحقیقات باستان‌شناسی در سال ۱۹۰۶ میلادی (۱۲۸۱ هـ.ش) در حفاریات شوش توسط کاشفین فرانسوی کشف شد. اکنون این سنگ نوشته در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود، این سنگ نوشته شامل ۲۸۲ ماده و ۳۶۰۰ سطر می‌باشد و با خط میخی بر سنگ سیاه بزرگی حک شده است و بر بالای سنگ پیکر حمورابی دیده می‌شود که در برابر خدای خورشید و عدل و خضوع ایستاده و مجموعه قوانین را از او دریافت می‌دارد. ۴۰ ماده از این مواد مفقود شده است، قسمت مفقود شده توسط پادشاه ایلام و شوش محو شده که می‌خواست متنی به نام خود به جای آن بنگارد که موفق بر آن نشده است. ویژگی قانون حمورابی این بود که همه جا قابل اجرا بوده و شامل قوانین مدنی و جزایی بوده است.

(نقل از علی‌باشا صالح، تاریخ حقوق، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، ص ۹۹ به بعد)

۲۰ ماده از قوانین حمورابی که طی مواد (۸۴-۱۶۵) گنجانده شده است، به مسایل ارث اختصاص دارد. با توجه به قدمت این قانون و نکات ظریفی که در آن آمده است، جهت مطالعه بیشتر علاقه‌مندان مواردی از این قانون را که قدمت آن به چهار هزار سال قبل می‌رسد، ذکر می‌کنیم:

- الف- ارکان ارث در این قانون همانند اسلام عبارت بوده‌اند از: (وارث - مورث - برکه)
- ب- طبقات ارث بدین صورت تقسیم می‌شده است: (اولاد ذکور - اولاد اناث - زوجات - اخواه - رضاعه)
- ج- فرزند خواندگی در این قانون پذیرفته شده و فرزند خوانده همان کنیز زادگان ارث می‌بخشد است.
- د- پسران صغیر متوفی علاوه بر سهم الارث خود امتیازاتی نیز داشته‌اند، همان گونه که پسر بزرگ امتیازاتی داشت.
- ه- طبق این قانون چیزی به عنوان هبه (نه سهم الارث) به زوجه نازا می‌دادند.
- و- مورث هرگاه می‌خواست، می‌توانست ورثه خود را از ارث محروم نماید، که از آن م وارد عام رعایت بزرگسالاری مورث بود و نیز اگر فرزند خوانده تخلف می‌کرد و به خانه پدر اصلی‌اش می‌رفت، از ارث محروم می‌شد.
- ج- فرزندانیکه از کنیز کان به دنیا می‌آمدند، می‌توانستند به جای مطالبه ارث، آزادی خود از بردگی را تقاضا نمایند.
- مرجع مطالب فوق:

(جواد الهانسی، رضا، نظام العائلة في العهد البابلي القديم، كلية الآداب، جامعة البغداد، مكتبة الاندلس، ۱۹۷۰، ص ۱۹۷-۱۹۸؛ قوانین حمورابی، ترجمه عبدالمسیح وزیر، مجله النفتین (۱۹۲۳-۱۹۲۵) بغداد) می‌تواند این کتاب‌ها را که به زبان عربی است، در کتابخانه تخصصی تاریخ ایران و اسلام، در قم ملاحظه بفرمایید.

۳-۴. ایران باستان

در ایران، اساس خانواده، بر پدر شاهی استوار بود و ازدواج، نوعی بیع به شمار می‌رفت و زن جزء اموالی بود که در معرض خرید و فروش واقع می‌شد.^۱ در سرودهایی که از ایرانیان باستان باقی مانده است می‌خوانیم که:

«پدران از خداوند مسألت نمی‌کنند که به ایشان دختر، روزی کند^۲ و فرشتگان دختران را از نعمت‌هایی که خداوند به آدمی می‌بخشد، به حساب نمی‌آورند.»

یک قاعده در میان نژاد آریایی وجود داشت و آن هم محرومیت دختران از ارث بوده است، اما اگر پدر می‌مرد و دختر از وِج نکرده بود می‌توانست از ترکه که به اندازه نصف سهم پسر برخوردار شود.^۳ نظام فرزند خواندگی نیز در ایران معمول بود و فرزند خوانده وارث تلقی می‌شد.^۴ در میان همسران یک مرد، زنان او در جاتی داشتند و هر یک با نامی خاص خوانده می‌شد؛ زن محبوب‌تر میان زنان، ممکن بود که به درجه‌ای برسد که به عنوان یکی از پسران شوهر تلقی و از ارث بهره‌مند گردد.^۵

۱. ویل دورانت - تاریخ تمدن، نشر اقبال، ج ۱، ص ۴۱۱.
۲. همان، ص ۵۵۱، رک: سرودهای ۲۹ گانه، گانها - دکتر حسین وجدی. سازمان چاپ و ناشر - ۱۳۵۹. این کتاب در انجمن زرتشتیان یا کتاب‌فروشی آن یافت می‌شود.
۳. دکتر عمید، موسی، ارث در حقوق مدنی ایران، (تالیف ناتمام)، ص ۱۴-۱۵.
۴. علامه طباطبایی، تفسیر المیزان (عربی) ج ۴، ص ۲۰۵ تا ۲۳۳، مرحوم علامه در این جلد بحث مفصل و جامعی در مورد ارث از حیث تاریخی و ... انجام داده‌اند و از جمله فلسفه احکام ارث در اسلام و دو برابر بودن ارث پسر نسبت به دختر را بحث نموده‌اند. و نیز تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۸۲-۳۰۵، ذیل آیات، ۱۱ تا ۱۴ سوره مبارکه نساء مطالب جالبی در این مورد آورده است. همچنین رک: آیت الله توری، حسین، مجله نور علم، دوره دوم، شماره ۵، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۷۳، مؤلف در این مقاله اضافه نموده‌اند که نکاح با محارم و تعدد زوجات و فرزند خواندگی از امور رایج در ایران باستان بوده است.
۵. برای آگاهی بیشتر با مقررات ارث ایرانیان باستان، رک: «قانون مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان» تألیف مویده رستم شهرزادی، ۱۳۶۵، نشر انجمن زرتشتیان تهران. مواد مربوط به ارث در قانون تحت «بهر و بخت» ذکر شده که به بعضی از مواد آن اشاره می‌کنیم:

الف - معبد شخصی پدر حق الارث پسر یا دختر ارشد است.

ب - سهم الارث فرزندان نابالغ متوفی تا هنگام بلوغ در خانواده او باقی می‌ماند.

ج - اگر دختری پس از فوت پدر متولد شود باید هزینه عروسی از ماترک پدر داده شود.

د - دهنش‌های متوفی (بدهی) را باید از اصل ترکه او برداخت.

ه - فرزندی که به علت فقر مادری پدر خود به فرزند خواندگی رفته است می‌تواند از پدر خود ارث ببرد.

و - فرزند خوانده زمتی از پدر خوانده خود ارث می‌برد که بعد از بلوغ، رضایت به امر فرزند خواندگی خود داده باشد.

۴-۴. چین و ژاپن

در چین و ژاپن، پدر حکومت مطلقه داشت، تا جایی که در عصر «کنفوسیوس» پدر حق داشت زن و فرزندانش را بفرودشد یا همسرش را به قتل برساند و زن محکوم بود که برای اثبات وفاداری به شوهرش خود را بکشد.^۱

در چین، مادران آرزوی پسر داشتند و در ژاپن نیز، دختران از ارث محروم بودند. اگر همه فرزندان پسر، دختر بودند، پدر مجبور بود که پسری را به فرزندی قبول کند و او را وارث خود قرار دهد و حق داشت که دخترش را جهت بردگی یا روسپی‌گری بفرودشد.^۲

۴-۵. هند

در هند طبق مجموعه قوانین مانوا، که منظوم و به زبان سانسکریت بود، زنان از ارث محروم بودند و می‌بایست تحت قیمومت مرد قرار می‌گرفتند. در برخی قبایل هند، زن بعد از شوهرش مثل سایر ترکه به ارث می‌رسید و یا براساس رسم «ساتی»، زن همراه جسد شوهرش در آتش سوزانده می‌شد و یا او را خفه می‌کردند و همراه شوهرش در گور می‌نهادند و این را رسم وفاداری زن به شوهر می‌دانستند و در برخی قبایل هند، زن حکم دام را داشت و زن ورثه تقسیم می‌شد.^۳

۴-۶. اعراب جاهلیت

رسم بود از جاهلیت در عرب که زن از میراث ماندنی خشک آب
گرچه افزون بود ارث‌اندر بسیج بر زن و کسودک نمی‌دادند هیچ

در عرب جاهلی توارث براساس جنگاوری و سلحشوری استوار بود. یکی از حقوق دانان اسباب ارث را در نزد عرب جاهلی چنین بر شمرده است: قرابت، مرد بودن، بلوغ و قدرت

۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه امیر حسین آریان‌پور، ج ۳، نشر اقبال، ص ۱۰۶۶.

۲. همان، ص ۱۱۲۷.

۳. همان، ج ۲، ص ۷۰۶.

۴. صفایی، حاج میرزا حسن، تفسیر منظوم قرآن، نشر صفی علیشاه، ص ۱۳۰.

حمل سلاح^۱؛ بنابراین زنان و کودکان از ارث بهره‌ای نداشتند. بعد از فوت شوهر، زن او نیز چون اموال او به ارث می‌رسید. وقتی یکی از وراثت ذکور پارچه‌ای بر خیمه زن می‌افکند، زن به تصاحب او در می‌آید و می‌توانست زن را به نکاح خود یا به نکاح غیر در آورد و از او کابین بگیرد، یا در مقابل گرفتن وجه، زن را به حال خود رها نماید. نزد برخی از اعراب زنده به گور کردن دختران نیز مرسوم بود.

مرحوم علامه طباطبایی^۲ در تفسیر شریف المیزان، ضمن بحث تاریخی در ملل سابق تحت عنوان «الوارثین الأمم المتمدنه» در تفسیر آیات یازدهم تا چهاردهم سوره نساء، که زوجه و دختران را نیز جزء وارثان می‌شمارد، چنین آورده‌اند که:

مردی انصاری به نام «مطلب بن اوس» از دنیا رفت در حالی که از او زوجه و دختری باقی مانده بود، ولی برادر متوفی تمامی ترکه را برداشت و به زوجه و دختر متوفی چیزی نداد. آن زن نزد رسول خدا شکایت برد، برادر متوفی چنین استدلال کرد: چون زوجه و دختر متوفی قادر به اسب‌سواری و جنگ با دشمن نیستند، باید از ارث محروم شوند؛ در این زمان بود که آیات مذکور نازل گردید: ^۱ «مردان را سهمی از ما ترک پدر و مادر و خویشاوندان می‌رسد و زنان را هم سهمی، ترکه کم باشد یا زیاد».

اهل سنت سعی کردند با انتساب حدیثی به رسول الله آن دیدگاه جاهلی در ارث را احیا کنند. و آیات فوق را که برای زنان و دختران ارث قایل می‌شود، کنار بزنند، ولی شیعه زیربار این حدیث نرفت. قرآن کریم با مسأله فرزند خواندگی نیز برخورد، و ارث از طریق آن را ملغی نمود.^۳

۱. دکتر مهرپور، حسین، بررسی میراث زوجه در حقوق اسلام و ایران، چاپ اطلاعات، ۱۳۶۲، (چاپ اول)، ص ۲۰.

۲. علامه طباطبایی، سیدمحمد حسین، تفسیر المیزان، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ سوم، ۲۰ مجلد، ح ۴، ص ۲۰۴. «فقال یا رسول الله توفی زوجی و ترکتی و ابنته فلم نورث من ماله فقال عم ولداها: یا رسول الله لا ترکب فرساً و لا تنکی عوا... فنزلت للرجال نصیب...»

۳. (وما جعل ادعیانکم ابنائکم) خداوند فرزند خواندگان شما را چون فرزندان شما قرار نداده است. (احزاب ۵/۳۳) ر.ک: دکتر جمعفری لنگرودی، محمد جعفر، ارث، نشر گنج دانش، ۱۳۶۹، ص ۱۵، نیز، المبسوط، السرخسی، ج ۲۹، ص ۱۳۹.

وضعیت ارت در اقوام گذشته را دیدیم و ظلم‌هایی را که در طول تاریخ بر بعضی طبقات اجتماع رفته است تا حدودی مشاهده کردیم. برای نفی همه این ستم‌ها، اسلام بهترین قواعد مربوط به ارت را همسو با فطرت بشری آورده است؛ زیرا که اسلام دین فطرت است و ارت نیز ریشه در فطرت دارد.^۱ هم‌اینک با تکامل جوامع غیر اسلامی، مقررات آنان نیز کم‌کم به این قواعد نورانی، نزدیک می‌شود.^۲ اکنون به جا است که به صورت خلاصه ویژگی‌های قواعد ارت اسلام را ذکر نماییم:

۵. ویژگی‌های قانون ارت اسلام^۳

۱. مقررات ارت اسلام هیچ یک از بستگان متوفی چه مذکر باشند، و چه مؤنث، با توجه به سلسله مراتب، از ارت محروم نمی‌گرداند.
۲. این مقررات، مطابق فطرت بشری است زیرا انسان‌ها مایلند که بازماندگان آنان از ماترک بهره‌مند گردند.
۳. این مقررات، بشر را به تلاش بیشتر در راه تولید ثروت و گردش چرخ‌های اقتصادی، وادار می‌کند.
۴. این مقررات، از تراکم ثروت جلوگیری می‌کند، زیرا ثروت، پس از متوفی، بین وارثان تقسیم می‌گردد.
۵. این مقررات، به واقعیت‌ها و نیاز وارثان توجه دارد نه میل عرفی به طور مثال، با لحاظ واقعیت اجتماعی و توجه به مسؤلیت مرد و اداره خانواده سهم الارث پسر دو برابر دختر تعیین شده است.

۱. ر.ک: دکتر شهیدی، مهدی، ارت، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۳.

۲. به طور مثال طبقا ارت در قانون فرانسه نمونه‌ای از نزدیک شدن قوانین جوامع غیر اسلامی، به قواعد اسلامی ارت است. طبقات وراثت در حقوق فرانسه عبارتند از:

طبقه اول: پسران و دختران (اولاد) طبقه دوم: پدر و مادر و برادران و خواهران.

طبقه سوم: اجداد و جدات. طبقه چهارم: اعمام و عمات و اخیوال و خالات.

ر.ک: تفسیر المیزان: ج ۴، ص ۲۳۲.

۳. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۰۲.

کتابی که پیش روی شما است در دو بخش ارایه شده است. بخش یکم به کلیات و تعاریف می‌پردازد و جایگاه اعمال مقررات احوال شخصیه اقلیت‌های دینی و مذهبی ایران را بررسی می‌کند. بخش دوم به بررسی تطبیقی مقررات مربوط به ارث اقلیت‌های دینی با حقوق اسلام و ایران می‌پردازد که طی این بخش اصول و قواعد حاکم بر ارث اقلیت‌ها مطرح خواهد شد و سپس تفصیلاً به مقایسه فروع قابل تصور در تقسیم ارث اقلیت‌ها با حقوق ایران اقدام می‌نماید و در حاتمه، بحث تعارض قوانین و اصلاحات پیشنهادی را طرح می‌کند. اینک بخش یکم کتاب را طی سه فصل آغاز می‌نمایم که فصل یکم به تعاریف و فصل دوم به بررسی صلاحیت قضایی و قانونی در دعاوی اقلیت‌های دینی ایران و فصل سوم به مبانی حقوقی و فقهی ماده واحده مصوب ۱۳۱۲/۴/۲۱ در خصوص احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه اختصاص یافته است.